

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

بنام خداوند جان و خرد

دگرگونی های بنیادین در خاورمیانه: فروپاشی حکومت های پلیسی - امنیتی، انتصابی و نامردمسالار

نصرالله، رهبر حزب الله لبنان، از خود هوشیاری نشان داده و فقط به مانورهای سیاسی دست زده است.

در ماههای آینده باید در انتظار دگرگونیهای مهمی در سوریه بود. به نظر می رسد که فشار اسد و جریانهای همسوی او ناگزیر شوند راه را برای استقرار نوعی حکومت متکی بر مردمسالاری بگشایند و بتدریج به دوران حفقان رژیم پلیسی امنیتی موجود پایان دهند. بدیهی است حل مسئله بلندبهای جولان، حالت شبه جنگ را که بهانه ضرورت ادامه نظام پلیسی امنیتی است پایان خواهد داد و راه را برای استقرار یک نظام مردم سالار فراهم خواهد ساخت. هوشیاری و شتاب حسی مبارک در کار تغییر در روش گزینش رییس جمهور در مصر و فراهم ساختن فضا برای حضور دیگر نامزدها، نشانگر آنست که ختا کشورهای که با آمریکا و اسرائیل همسو هستند نیز از موج دگرگونیهای بنیادین در ساختار حکومتی خود برکنار نخواهند ماند.

از مجموع رویدادها چنین برمی آید که، به احتمال زیاد، پیش از پایان دهه اول هزاره سوم، چهره های حکومتهای خاورمیانه بشدت دگرگون گردد. بنابراین، آنچه مهم و اساسی به دید می رسد اینست که ملتهای هوشیار و خردمند، پیش از آنکه ساختار خاصی بر آنها تحمیل شود، باید بیا خیزند و به ایجاد دگرگونیهای ساختاری بنیادین و متناسب با منافع ملی خود، بدور از آشفتگی و درهم ریختگی و ویرانگری خونبار، اقدام کنند. در این راستا، با انجام مانورهای حساب شده و نافرمانی های مدنی، باید حاکمان بر قدرت نشسته را وادار سازند تا دست از سئیر با خواست ملت بردارند، باشد که بتوان ساختار مردمسالاری و حاکمیت ملی را جانشین سلطه فردی و گروهی و ساختار انتصابی کرد و کشور را در مسیر رشد و پیشرفت فراگیر و پویا قرار داد.

در پی برگزاری انتخابات عراق، رویدادهای خاورمیانه همچنان مهم ترین رویدادهای جهان بشمار می روند. همانگونه که در سرمقاله های پیشین اشاره کرده بودیم، تحولات فلسطین، با به مرگ رسانیدن یاسر عرفات، برگزیده شدن محمود عباس و مصمم شدن اسرائیل به عقب نشینی از نوار غزه و کرانه غربی، وارد مرحله پایانی دوران جنگ دراز مدت در این منطقه شده است. انتظار می رود که صلح اعراب و اسرائیل هم که جزء هدفهای عمده استراتژیک آمریکا می باشد، به مرحله اجرا در آید. در این راستا، ضروری است تا سوریه نیز دستخوش دگرگونیهای بنیادین گردد. تصویب قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت در چند ماه گذشته به پیشنهاد آمریکا و فرانسه، به روشنی حکایت از آن داشت که به زودی سوریه وادار به پذیرش تعهدات سنگینی خواهد شد. ولی ساختار پلیسی امنیتی سیاسی سوریه اجازه نداد تا دولتمردان آن کشور بخود آیند و پیش از دریافت التیما توم های شدید ابر قدرتها و موضع گیریهای گسترده جناحهای ملی لبنان در برابر سوریه، خود خواسته به تغییرات خواسته شده تن در دهند. آمریکا و فرانسه بر آن شدند تا به همگان نشان دهند که تحولات خواسته شده در خاورمیانه، با وجود جنبه دستوری آن، با خواست اکثریت مردم برای استقرار نظام مردم سالاری همسویی دارد. به همین جهت است که دولتهای سوریه و لبنان مجبور خواهند بود به آن گردن نهند. با عقب نشینی سوریها از لبنان، باید شاهد تحولات عمده ای در ساختار اوضاع سیاسی این دو کشور بود. احتمال می رود که با انجام انتخابات اردیبهشت ماه در لبنان، امیل لحود، رییس جمهور مورد حمایت سوریه، جای خود را به چهره دیگری دهد و یک دولت ائتلاف ملی قدرت را به دست گیرد. حزب الله لبنان هم جنبه نظامی خود را از دست خواهد داد و به عنوان یک سازمان سیاسی عمل خواهد کرد. تا به اینجا سید حسن

فهرست مطالب

امروز خلیج فارس کانون طرح خاورمیانه بزرگ است

۲

بیانیه تحلیلی جمعی از اندیشمندان، فعالان سیاسی و دانشجویی ایران

۳

بازتاب بیانیه ۵۶۵ امضایی در رسانه های جهانی

۴

آیین بزرگداشت سی و هشتمین سالگرد درگذشت دکتر مصدق

۶

کلیتون: سرنگونی دولت مصدق، اشتباه بود

۷

مقام و حقوق زن

۷

نشست های دانشجویی اسفندماه ۱۳۸۳ با شرکت چهره هایی از جبهه ملی ایران

۸

جشن پرشکوه نوروز را که کهن ترین جشن آغاز سال نو در جهان است، به ملت بزرگ ایران و همه باشندگان گستره فرهنگ ایرانی شادباش می گوئیم

امروز خلیج فارس کانون طرح خاورمیانه بزرگ است

پنجمین سالگرد درگذشت شادروان علی اردلان رییس پیشین هیئت رهبری جبهه ملی ایران

دکتر دود هر میداس باوند، عضو هیئت رهبری جبهه ملی ایران، با اشاره به حساس بودن شرایط پیش روی کشورمان گفت: امروز خلیج فارس کانون خطاب طرح خاورمیانه بزرگ است.

به گزارش خبرنگار سیاسی - خارجی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) دکتر باوند، استاد دانشگاه، که در همایش "هویت و حاکمیت ملی ایران" با محوریت "خلیج فارس" با عنوان "حاکمیت ملی ایران بر خلیج فارس سخن می گفت" اظهار داشت: امروز مسئله خلیج فارس در کانون توجه بین المللی قرار گرفته است.

وی افزود: خلیج فارس در منطقه ای است که به عنوان یکی از کانون های استراتژیک انرژی جهان معرفی شده و، در حال حاضر، آنچه که در محدوده بازتعریف از نظم نوین جهانی مطرح شده، خطاب به جوامع ساکن در این منطقه است.

وی ادامه داد: اگر توجه داشته باشید، مفاهیمی از قبیل جهانی سازی یا مسئله دموکراتیزه کردن بطور اخص با تحولات این منطقه در ارتباط است.

دکتر باوند همچنین گفت: بدیهی است که این بهانه آبی که همواره با عنوان خلیج فارس متصف بوده است، همواره با مسایل اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران در ارتباط باشد و چنانچه بخواهیم بحث از هویت ملی نماییم، باید در این خصوص آیین تاریخی، تمدنی و ملی را مدنظر قرار دهیم.

وی همچنین ضمن ارایه تاریخچه ای کوتاه درباره پیشینه تاریخی نام خلیج فارس اظهار داشت: از لحاظ تاریخی، نام خلیج فارس نامی است که دانش عمومی جهانی همواره بر آن تاکید داشته و از لحاظ تاریخی نخستین ارتباطی که جامعه ایرانی با این پهنه ی آبی داشته به ۷۰۰ سال پیش از میلاد بازمی گردد.

این استاد دانشگاه ادامه داد: با ورود انگلیسی ها به معادلات منطقه ای، شاهد پی گیری استراتژی ایران زدایی در منطقه هستیم. یعنی سعی می شود تا مابقی نفوذ فرهنگی ایران در تمامی مناطقی که مورد نفوذ این فرهنگ هستند بی رنگ شود.

دکتر هر میداس باوند، جلوگیری از ایجاد نیروهای سیستماتیک از جانب ایران از جمله نیروی دریایی، جلوگیری از اعمال حاکمیت موثر کشورمان بر جزیره های ایرانی و تغییر نام برخی از این جزیره ها بنام شیخ های دست نشانده عرب را در همین راستا زبانی نمود.

وی نتیجه گرفت: بنابراین، در طول قرن نوزدهم انگلیسی ها علاوه بر تلاش برای تحمیل سلطه شان در پی پیاده کردن استراتژی ایران زدایی نیز بوده اند که آخرین حلقه ی این استراتژی پروژه ی تغییر نام خلیج فارس بود.

این استاد دانشگاه همچنین اظهار داشت: ایران در خلیج فارس دارای ۱۵ جزیره است و از لحاظ منافع ملی و امنیت این منطقه برای ایران بسیار حیاتی است.

بیست و دوم بهمن ماه مصادف بود با سالگرد درگذشت زنده یاد علی اردلان، چهره ای صمیمی و مبارزی خستگی ناپذیر. علی اردلان از جمله شخصیت های است که نامش با نام جبهه ملی ایران آمیخته گشته است. او از زمان بنیانگذاری این جریان سیاسی تا لحظه مرگ خود از جمله کوشا ترین سربازان این سنگر بشمار می رفت. او در دوران سیاه پس از کودتای ۲۸ مرداد، با انتشار روزنامه "صمص" و خطر کردن در برابر حکومت کودتا مرحله درخشانی از مبارزات ملی خود را پایه گذاری کرد.

زنده یاد اردلان در جریان جبهه ملی دوم با عضویت در شورای مرکزی این سازمان، برای رشد و گسترش جبهه ملی کوشش فراوان کرد. او در پی پیروزی انقلاب و پذیرش مسئولیت وزارت دارایی و اقتصاد دولت موقت، تمامی توانش را بکار گرفت تا به اوضاع آشفته و نابسامان اقتصادی کشور سامانی مطلوب ببخشد. پس از کناره گیری از دولت موقت، وی حضوری پویا در فعالیت های سازمانی جبهه ملی یافت. او برای نمایندگی دوره اول مجلس شورا از سوی جبهه ملی نامزد شد و با اقبال گسترده مردم

نویسندگان بنامندگی برگزیده شد. ولی انحصارطلبان از حضور او و دیگر برگزیده شدگان مجلس جبهه ملی، چون دکتر سنجابی، در مجلس جلوگیری کردند. اردلان در پی مبارزه جبهه ملی با جریان انحصارطلبی سیاسی به همراه شماری دیگر از فعالان جبهه ملی در سال ۱۳۶۰ به زندان سیاه حاکمیت گرفتار آمد و برای مدت سه سال یکی از مخوف ترین زندانهای دوران معاصر ایران را تحمل کرد. او پس از آزادی، به همراه گروهی دیگر از فعالان جبهه ملی که شماری از آنان تازه از زندان رهایی یافته بودند، با انتشار اعلامیه های افاضادار خطر راه جان خریدند تا بتوانند چراغ جبهه ملی را روشن نگاهدارند و مردم را از تالمبندی نجات بخشند. با تشکیل "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملی" اردلان به سمت رییس هیئت اجرایی برگزیده شد و دوبار دیگر از سوی رژیم انحصارطلب به زندان افکنده شد. ولی هیچگاه خم به ابرو نیآورد. او با عنوان رییس هیئت رهبری جبهه ملی به گونه ای خستگی ناپذیر تا دم مرگ و خاموشی با شجاعتی ستودنی در دفاع از آزادی، مردمسالاری و حاکمیت ملی از نبرد با صاحبان قدرت با پاس نکشید.

روانش شاد و پادش گرامی باد

دکتر هر میداس باوند، عضو هیئت رهبری جبهه ملی ایران، با اشاره به حساس بودن شرایط پیش روی کشورمان گفت: امروز خلیج فارس کانون خطاب طرح خاورمیانه بزرگ است.

به گزارش خبرنگار سیاسی - خارجی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) دکتر باوند، استاد دانشگاه، که در همایش "هویت و حاکمیت ملی ایران" با محوریت "خلیج فارس" با عنوان "حاکمیت ملی ایران بر خلیج فارس سخن می گفت" اظهار داشت: امروز مسئله خلیج فارس در کانون توجه بین المللی قرار گرفته است.

وی افزود: خلیج فارس در منطقه ای است که به عنوان یکی از کانون های استراتژیک انرژی جهان معرفی شده و، در حال حاضر، آنچه که در محدوده بازتعریف از نظم نوین جهانی مطرح شده، خطاب به جوامع ساکن در این منطقه است.

وی ادامه داد: اگر توجه داشته باشید، مفاهیمی از قبیل جهانی سازی یا مسئله دموکراتیزه کردن بطور اخص با تحولات این منطقه در ارتباط است.

دکتر باوند همچنین گفت: بدیهی است که این بهانه آبی که همواره با عنوان خلیج فارس متصف بوده است، همواره با مسایل اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران در ارتباط باشد و چنانچه بخواهیم بحث از هویت ملی نماییم، باید در این خصوص آیین تاریخی، تمدنی و ملی را مدنظر قرار دهیم.

وی همچنین ضمن ارایه تاریخچه ای کوتاه درباره پیشینه تاریخی نام خلیج فارس اظهار داشت: از لحاظ تاریخی، نام خلیج فارس نامی است که دانش عمومی جهانی همواره بر آن تاکید داشته و از لحاظ تاریخی نخستین ارتباطی که جامعه ایرانی با این پهنه ی آبی داشته به ۷۰۰ سال پیش از میلاد بازمی گردد.

این استاد دانشگاه ادامه داد: با ورود انگلیسی ها به معادلات منطقه ای، شاهد پی گیری استراتژی ایران زدایی در منطقه هستیم. یعنی سعی می شود تا مابقی نفوذ فرهنگی ایران در تمامی مناطقی که مورد نفوذ این فرهنگ هستند بی رنگ شود.

دکتر هر میداس باوند، جلوگیری از ایجاد نیروهای سیستماتیک از جانب ایران از جمله نیروی دریایی، جلوگیری از اعمال حاکمیت موثر کشورمان بر جزیره های ایرانی و تغییر نام برخی از این جزیره ها بنام شیخ های دست نشانده عرب را در همین راستا زبانی نمود.

وی نتیجه گرفت: بنابراین، در طول قرن نوزدهم انگلیسی ها علاوه بر تلاش برای تحمیل سلطه شان در پی پیاده کردن استراتژی ایران زدایی نیز بوده اند که آخرین حلقه ی این استراتژی پروژه ی تغییر نام خلیج فارس بود.

این استاد دانشگاه همچنین اظهار داشت: ایران در خلیج فارس دارای ۱۵ جزیره است و از لحاظ منافع ملی و امنیت این منطقه برای ایران بسیار حیاتی است.

بیانیه تحلیلی جمعی از اندیشمندان، فعالان سیاسی و دانشجویی ایران

در روز دهم اسفندماه، بیانیه‌ای با امضای ۵۶۵ تن از اندیشمندان، فعالان سیاسی و دانشجویی کشور بر روی سایت‌های گوناگون خبری قرار گرفت و در کمتر از یک ساعت تمامی خبرگزاری‌ها و بخش‌های خبری رسانه‌های معتبر جهان خبر آنرا پخش و با انجام مصاحبه‌های گوناگون بازتاب داده شد. در پیشگفتار بلند این بیانیه کوشش شده به همه نارسایی‌های کشور از جنبه‌های گوناگون سیاست خارجی، فرهنگی، اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی اشاره شود. در تمامی موارد، بویژه در مورد نارسایی‌های نگران‌کننده اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی، کوشش شده تا آمار و ارقام فراوانی آورده شود که برای همه آنها منابع اطلاعاتی دولتی و رسمی پیوست شده است. از جمله در بحث نارسایی‌های اقتصادی آورده شده که:

"... در حالی که ملت همیشه سخت کوش ایران، فرهنگیان، دانشگاهیان، پزشکان، پرستاران، فعالان بخش خصوصی، بازاریان، کشاورزان، دامداران، صیادان، کارگران، صنعتگران و کارکنان شریف دولت، در تلاش معاش و حفظ و سربلندی خانواده و کشور خویش همیشه تلاشی ستایش‌آمیز داشته‌اند و طبیعت نیز در سالهای اخیر نهایت مساعدت را داشته است، در حالی که بهره‌برداری از منابع طبیعی و ثروت خداداد کشور با نهایت شدت و بی‌حد و حساب ادامه داشته است، در حالی که درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های صنعتی و کشاورزی از مرز پانصد میلیارد دلار در دوران پس از انقلاب گذشته و انرژی تقریباً رایگان در اختیار همه بخشهای اقتصاد ایران قرار داشته است، عملکرد واقعی اقتصاد ایران نامتناسب با امکانات، در هر هیجده سال اول انقلاب (تا سال ۱۳۷۵) سالانه فقط حدود ۷۳ درصد، و در هشت سال اخیر به طور میانگین حدود ۲۵ درصد بوده است. با توجه به حدود دوبرابر شدن جمعیت کشور در دوران پس از انقلاب، درآمد سرانه مردم ایران در سال ۱۳۸۲ برابر ۱۶۷۷ دلار یا ۳۰ درصد کمتر از درآمد سرانه مردم در سال ۱۳۵۶ اعلام شده است." در این پیشگفتار به رشد قارچ مانند بدنه دولت،

بوروکراسی بشدت بیمار و دست و پاگیر و بر خورده‌های سرکوبگرانه حاکمیت با اندیشمندان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، فعالان سیاسی و جنبش دانشجویی اشاره شده است. همچنین، به نادیده انگاشتن حقوق شهروندی برابر برای همه زنان و مردان و برخورد نابرابر و اگذار مسئولیت‌های حساس کشور به برخی از هموطنان شایسته چون کردها و بلوچها و اهل سنت به عنوان اقدامی ضربه‌زننده به همبستگی ملی و یکپارچگی کشور اشاره رفته است.

در نتیجه‌گیری و پیام اصلی آورده شده است که: "ما بر این باور هستیم که جریان حکومتگر، با هدف حفظ انحصار قدرت، با ایجاد نهادهای ضد مردم سالاری و بهره‌گرفتن از نهادهای انتصابی، که در رأس آنها شورای نگهبان قرار دارد، از یک سو مردم را از حق انتخاب شدن برای پذیرش خدمتگزاری عمومی و آزادی انتخابات محروم کرده، و از سوی دیگر با از بین بردن اصل بنیادین شایسته سالاری، امور حکومتی جامعه را بدست کسانی سپرده است که بطور عمده فاقد صلاحیت علمی، تجربی، تعهد اجتماعی و مدیریت کارآمدی باشند. نتیجه ملموس این عارضه و تسلط این اندیشه بر امور کشور، به بن بست کشاندن جامعه و عاجز کردن دولت و حکومت در راه حل یابی برای مسائل آن است.

ما بر این باوریم که حاکمیت انتصابی با ناتوانی در شناسایی و دفاع از منافع ملی و حیاتی کشور در برابر جهان خارج و عاجز ماندن از حل مسائل و مشکلات داخلی، شایستگی و صلاحیت مدیریت کشور را ندارد."

این بیانیه که به اعتباری می‌توان آنرا فراگیرترین بیانیه با امضای مربوط به فعالان سیاسی و ابسته به جریانها و سازمانهای سیاسی ملی خارج از حاکمیت و نیروهای دانشجویی و ابسته به تحکیم وحدت و چهره‌های سرشناس آدوار تحکیم" و شماری از شخصیت‌های ملی مستقل دانست، بر روی هم دارای ۵۶۵ امضاء می‌باشد، که به عنوان نمونه به ذکر شماری

از آنها می‌پردازیم:

مهندس بهاء‌الدین ادب، عبدالعلی ادیب برومند، دکتر مه‌لقا اردلان، دکتر حسین اعرابی، فرهاد اعرابی، مهندس علی افشاری، مهدی امین‌زاده، دکتر داود مهر میداس باوند، دکتر بهروز برومند، محمدبسته نگار، مهندس علیقلی بیانی، دکتر حبیب‌الله پیمان، دکتر نصرالله جمشیدی، عیسی‌خان حاتمی، مجید حاجی بابایی، مهندس اسماعیل حاجی قاسمعلی، دکتر فاطمه حقیقت‌جو، مهندس هوشنگ خیراندیش، سید جمال‌الدین درودی، مهندس رضا دلیری، حسین راضی، مهندس آرش رحمانی، دکتر علی رشیدی، مهندس اشکان رضوی، دکتر حسین رفیعی، دکتر فریبرز رییس‌دانا، دکتر رضا رییس‌طوسی، دکتر ناصر زرافشان، مهندس کورش زعیم، دکتر احمد زیدآبادی، مهندس عزت‌الله سحابی، خسرو سیف، دکتر شاهین سینتا، حسین سکاکی، عبدالفتاح سلطانی، سید محمد علی سید نژاد، محمد شاهه‌چی، مهندس حسین شاه‌اویسی، حسین شاه‌حسینی، دکتر محمد شریف، مهندس حجت‌الله شریفی، دکتر عباسعلی صحافیان، مسعود صفاریان، اعظم طالقانی، مهندس حسین عزت‌زاده، اکبر عطری، مهندس محمد باقر غلابی، سرلشکر یازنشته ناصر فرید، دکتر محسن فرشاد، اصغر فنی‌پور، حسن قدیانی، دکتر یاقو قدیری اصلی، دکتر نظام‌الدین قهاری، مرتضی کاظمیان، ناصر کمیلیان، سید جواد مادرشاهی، محمد محمدی اردهالی، فرزین مخبر، مرضیه مرتاضی لنگرودی،

مهندس علی اکبر معین‌فر، اسماعیل مفتی‌زاده، منوچهر ملک قاسمی، دکتر محمد ملکی، هرمز ممیزی، سعید منتظری، مهندس سیدعلی اکبر موسوی خویینی، دکتر یوسف مولایی، مهندس نظام‌الدین موحد، دکتر سید حسین موسویان، دکتر مهدی مویذ زاده، دکتر علی ناظری، دکتر علی اکبر نقی‌پور، دکتر محمود نکو روح، مهندس بهرام نمازی، دکتر پرویز ورجاوند، عباس همایونی، مهندس حبیب یکتا،

بازتاب بیانیه ۵۶۵ امضایی در رسانه‌های جهانی

در حالیکه رسانه‌های گروهی ایران و حتی روزنامه‌های مدعی اصلاح طلبی (بجز شرق که یک چهارم ستون را اختصاص به این خیر داد) از بازتاب دادن بیانیه تحلیلی جمعی از اندیشمندان، فعالان سیاسی و دانشجویی ایران، در وحشت از حاکمیت، خودداری کردند. رسانه‌های معتبر خبری چون رادیو بی‌بی‌سی، صدای آلمان، صدای آمریکا، رادیو فردا و شماری از رادیو تلویزیونهای فارسی خارج از کشور با فاصله بسیار کم پس از انتشار بیانیه، به بازتاب دادن آن پرداختند. شماری از آنها با برخی از امضاءکنندگان بیانیه مصاحبه کردند و برخی از آنها با صاحب‌نظران و فعالان سیاسی ایرانی خارج از کشور درباره آن به گفتگو پرداختند. شماری از فعالان سیاسی نیز در برون مرز، با برخوردی مثبت در تأیید آن سخن گفتند و آنرا گامی بلند و اثرگذار و امیدبخش در مسیر مبارزه نیروهای ملی برای استقرار آزادی، مردم‌سالاری و حاکمیت ملی در ایران دانستند و از اینکه این بیانیه طیف گسترده‌ای را نمایندگی می‌کند ابراز خرسندی نمودند.

ما در زیر می‌کوشیم تا به گونه‌ای فشرده به بخش‌هایی از برخی مصاحبه‌ها و اظهار نظرهای انجام شده برای آگاهی هموطنان عزیز اشاره کنیم:

بی بی سی:

رادیو بی بی سی با فاصله بسیار کوتاهی پس از رفتن بیانیه بر روی سایتها، در ساعت ۱۸:۳۳ چهارشنبه دوم مارس با دکتر ورجاوند، سخنگوی جبهه ملی، درباره این بیانیه انجام داد. در مقدمه مصاحبه نظری بی بی سی درباره بیانیه چنین آورده شده است:

در این بیانیه، کارنامه حکومت اسلامی در عرصه‌های مختلف، از سیاست خارجی گرفته تا حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، منفی ارزیابی شده و با استناد به برخی آمارها سخن از آن به میان آمده که استقلال، همستگی و یکپارچگی ملی در معرض خطر جدی قرار گرفته است.

امضاکنندگان این بیانیه، پس از اشاره به آنچه که

آن را شرایط بحرانی و اوضاع و احوال ناپس‌امان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خوانده‌اند، به مسئله انتخابات پرداخته و تأکید کرده‌اند: "حاکمیت انتصابی با ناتوانی در شناسایی و دفاع از منافع ملی و حیاتی کشور در برابر جهان خارج و عاجز ماندن از حل مسائل و مشکلات داخلی، شایستگی و صلاحیت مدیریت کشور را ندارد."

اعضای دفتر تحکیم وحدت و فعالان دانشجویی و نیز اعضای احزابی چون جبهه ملی ایران، حزب ملت ایران، حزب مردم ایران و شماری از نیروهای ملی-مذهبی از جمله امضاکنندگان این بیانیه هستند.

دویچه وله، صدای آلمان:

رادیو صدای آلمان نیز در پی انتشار بیانیه، مصاحبه‌ای طولانی با دکتر پرویز ورجاوند انجام داد، و آنرا زیر عنوان بیانیه فعالان سیاسی و اجتماعی درباره لزوم دگرگونی در ساختار حکومتی ایران و گفتگویی با پرویز ورجاوند از جبهه ملی ایران بخش کرد. اظهار نظر رادیو صدای آلمان چنین است:

به مناسبت نزدیک شدن موعد برگزاری انتخابات، بیش از ۵۵۰ تن از فعالان سیاسی، اجتماعی و دانشجویی ایران بیانیه‌ای منتشر کرده‌اند با عنوان "به رای و اراده ملی گردن بگذارید". از جمله امضاکنندگان این بیانیه اعضای دفتر تحکیم وحدت و اعضای احزابی چون جبهه ملی، حزب ملت ایران، حزب مردم ایران و برخی از چهره‌های سرشناس ملی مذهبی هستند.

از نظر امضاکنندگان بیانیه، راه نجاتی که برای ایران از این وضعیت وجود دارد گردن نهادن به رای و اراده ملی، یعنی برقراری نظامی است که مردم سالار باشد و شایسته سالار باشد و اداره امور کشور و روابط بین‌المللی آن همچون دیگر کشورهای پیشرفته جهان بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر انجام گیرد.

دویچه وله بر روی هم چهار پرسش را از دکتر ورجاوند مطرح کرد. پرسش دوم چنین بود: آیا فکر می‌کنید که نهادهای تصمیم‌گیر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به این خواسته‌ها گردن بگذارند؟

پرویز ورجاوند: وظیفه جریان‌های سیاسی و ملی در این مملکت از دوران بعد از انقلاب این بوده است که ما همیشه تلاش کرده‌ایم که در خارج از حاکمیت در مقاطع مختلف هشدارهای لازم را به حاکمیت بدهیم. از اینکه گروهی معین دست به قبضه کردن

قدرت زده‌اند و یک شرایط ساختار انحصاری را در جامعه بوجود آورده‌اند و با بهره گرفتن از اقلیتی در جامعه ایران سعی می‌کنند اکثریت کلان ملت را مجبور به تمکین بکنند، بارها از سوی ما گفته شده که این امری فاجعه آفرین است. و امروز نیز تلاش کرده‌ایم که در این بیانیه ابعاد گسترده‌ی این فاجعه را طرح و بیان کنیم. بنابراین، استنباط ما این است که با توجه به طراخی و تحلیل این مسایل امروز، حاکمیت یا باید نسبت به همه این مسایل پاسخ بدهد و آنها را نفی بکند و یا اینکه در مسیر آن راهی را که ما پیشنهاد کرده‌ایم از خواسته‌های ملت تمکین کند، تا شرایطی پیش نیاید که بقول معروف "نه از تاک نشان ماند و نه از تاک نشان".

دویچه وله با دکتر باوند، عضو دیگر هیئت رهبری جبهه ملی نیز درباره این بیانیه گفتگو داشت. پرسش نخست چنین بود:

دویچه وله: آقای باوند، آیا بیانیه‌ی تحلیلی اخیر را می‌توان اتمام حجتی یا حاکمان انتصابی تلقی کرد؟
داود هرمیداس باوند: من فکر می‌کنم بیانیه در شرایط موجود با زبانی برخاسته از مطالبات اکثریت مردم ایران نوشته شده که برآند از طرق مسالمت‌آمیز، تغییرات اساسی و جدی منطبق بر سه شعار در کشور صورت گیرد که عبارت باشند از مردم‌سالاری، حقوق بشر، آزادی‌های اساسی و حکومت قانون که ما هم اشاره کرده‌ایم منطبق است با اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی، سیاسی، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و منشور ملل متحد. این فراتر از همه خواسته‌ی است که در یکصدسال اخیر مردم ایران از دوران مشروطیت در طلبش بوده‌اند. اما متأسفانه هر بار تحقق آنها دچار محدودیت و مانع شده است. در شرایط موجود، بخصوص با تحولاتی که در منطقه ما با آن روبرو هستیم، من فکر می‌کنم این یکتوع اتمام حجت است بصورتی معقول، خردمندانه و مسالمت‌آمیز.

اتحاد جمهوری خواهان ایران:

بخشی از اظهار نظر اتحاد جمهوریخواهان ایران درباره بیانیه چنین است: "محورهای اساسی بیانیه مبارزان داخل کشور بروشنی بر کلیدی‌ترین معضلات مربوط به مدیریت و هدایت کشور و بی‌کفایتی و ناکارآمدی ساختار حکومت جمهوری اسلامی انگشت نهاده و با دیدن خطر یک سقوط

بزرگ ملی، راه حل های کارساز را بی معاشات گوشزد زده است.....

اتحاد جمهوریخواهان ایران ضمن احساس همدلی و همراهی با این ارزیابی ها و نگرانی ها و نیز پشتیبانی قاطع از جاره جویی ها و گزینه هایی که امضاء کنندگان این بیانیه در مورد اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور مطرح کرده اند، همه توان خود را برای پیشبرد این تلاش و مبارزه مشترک در داخل و خارج از کشور به کار می گیرد. برای ماجای بسی امید و خوشنودی است که مسیر مبارزه دشوار آزادیخواهان ایران در داخل و خارج که طی سالیان دراز از کوره راه های جداگانه بسیاری عبور کرده است، اکنون در بزرگراه وحدت ملی قرار گرفته و چشم انداز امید بخشی را برای آینده میهنمان رقم می زند....

اظهار نظر آقای کشتگر:

اندیشه سیاسی ناظر بر این بیانیه، اندیشه میهن پرستانه و دموکراتیک جنبش ملی ایران است که روحانیان حاکم هرگز دشمنی خود را با آن و رهبر تاریخی آن دکتر مصدق پنهان نکرده اند. امضاء کنندگان این بیانیه خواست خود را برگزاری انتخابات آزاد با هدف اصلاح ساختار سیاسی ایران بر مبنای منشور حقوق بشر قرار داده اند.

برای نخستین بار در یک ربع قرن گذشته، بیانیه ای در دفاع از آزادی در ایران انتشار یافته که محور آن اندیشه و آیین ملی و منشور جهانی حقوق بشر است. این بیانیه بی سابقه که تقریباً نمایندگان همه گروهها و گرایش های دموکراتیک آن را امضا کرده اند به جهانی که در زیر پرشمرده ام تازگی دارد و می تواند سرآغاز ائتلاف ملی و در نتیجه نخستین گام اساسی برای شکل دادن جنبش ملی در برابر استبداد حاکم باشد.... (سایت گویا)

اظهار نظر آقای فرج سرکوهی:

بیانیه اخیر جمعی از فعالان سیاسی و فرهنگی ایران، در کنار دیگر کارکردهای مثبت خود، در ارتقاء اپوزیسیون ایرانی به آلترناتیو نیز نقشی کارساز ایفاء خواهد کرد....

این بیانیه خواست و نیاز اکثریت مردم ایران را با زبانی روشن، شفاف، مشخص بیان می کند....

بسیاری از امضاء کنندگان این بیانیه با مبارزه برای دموکراسی و پرهیز از همکاری با حکومت های استبدادی چهره روشنی از خود تصویر کرده اند.... این بیانیه بیشترین گرایش های دموکرات جامعه ما را در بر گرفته است و از این روی نیز می تواند گامی مهم در ارتقاء اپوزیسیون به آلترناتیو و اتحاد عمل

گرایش های گوناگون اپوزیسیون ارزیابی شود. حمایت از این بیانیه و دفاع از جان و آزادی امضاء کنندگان آن اندک کاری است که در حد توان ناچیز خود پی خواهیم گرفت.

اظهار نظر محسن حیدریان پژوهشگر و استاد یار علوم سیاسی در سوئد:

بیانیه را "بازتاب شوک بیدار کننده ای است که انحطاط و تباهی فراگیر ناشی از ۲۶ سال حکومت مذهبی بر نخبگان سیاسی ایران فرود آورده است" می داند و آن را "تایید دیگری بر تغییر گفتمان سیاسی در ایران امروز" ارزیابی می کند.

حیدریان در این باره به "ایران امروز" گفت: "این بیانیه بازتاب شوک بیدار کننده ای است که انحطاط و تباهی فراگیر ناشی از ۲۶ سال حکومت مذهبی بر نخبگان سیاسی ایران فرود آورده است. زبان سیاسی تازه، بن بست سیاسی ایران و زیر سوال بردن مشروعیت سیاسی و اخلاقی زمامداران کشور و تاکید بر تحول بنیادی مسالمت آمیز ایران از نکات مهم آن است. بیانیه در عین حال تایید دیگری بر تغییر گفتمان سیاسی در ایران امروز در جهت دموکراسی، عرفی گرایی و نیاز پیوستن ایران به جهان مدرن کنونی است. اما جنبه تازه آن توهم زدایی در باره انتخابات رییس جمهوری در چارچوب تنگ سیاسی و حقوقی موجود است. از این منظر آنرا میتوان یک چالش سیاسی صریح با نامزدهای جناحهای سیاسی در آستانه انتخابات دانست."

دکتر مهوان براتی، استاد دانشگاه در برلین، فعال سیاسی و عضو رهبری اتحاد جمهوریخواهان ایران:

"بیانیه ۵۶۵ نفر و ترکیب نویسندگان آن نشان از آن دارد که برای اولین بار پس از انقلاب مشروطه نسل سوخته انقلاب، که حقوق بشر را شکر کارترها برای سوار شدن برگرده ملل مظلوم می دانست، پذیرفته است که حرمت انسانی و حقوق شهروندان دستاوردهای تاریخی جامعه بشری است و قابل بخشش به هیچ دین و ایدئولوژی هم نیست. تحقق رای و اراده ملی بدون مردم و نهادهای بیان کننده خواست شهروندان ممکن نیست.

این کار چند پیش شرط دارد:

۱. جلب اعتماد مردم و ایجاد امید به اینکه یک جنبش گسترده ملی کم هزینه ترین راه برای به پس راندن قدرتمداران جمهوری اسلامی در مقابل خواست مردم است.

۲. حرکت های ملی همیشه به حافظه تاریخی واسطی نیازمندند که در دنیا از افتخارات ملی شان

محسوب شوند. در ایران این حافظه تاریخی با نام دکتر محمد مصدق عجین شده. بنا بر این، بیانیه تحلیلی نفر می باید به بیانیه اعلان تشکل جدید ملی ایران زیر نام مصدق تبدیل شود که جبهه ملی یکی از ارکان آن است. رکن دیگر آن می باید اتحاد جمهوریخواهان ایران باشد، که به عنوان یک نهاد و یا حزب سیاسی مدرن در درهم آمیزی اجزای کنونی اش باز گشت به ایران را در دستور کار خود قرار دهد. این مسئله در مورد دیگر طیف های امضا کننده بیانیه نفر نیز صدق می کند."

اظهار نظر دکتر حسین باقرزاده:

بیانیه تحلیلی جمعی از اندیشمندان، فعالان سیاسی و دانشجویی ایران که جمعه گذشته با امضای ۵۶۵ تن در داخل کشور منتشر شد از جهات مختلفی حائز اهمیت بود. صراحت بیانیه بر لزوم تغییرات ساختاری در نظام حاکم و خواست استقرار نظامی مبتنی بر ارزش های حقوق بشری از برجسته ترین نکات یاد شده در این بیانیه است. همچنین این واقعیت که امضا کنندگان این بیانیه را طیف وسیعی از فعالان سیاسی سکولار و مذهبی در بر می گیرد و حتی جمعی از فعالان اصلاح طلب که در گذشته نزدیک در ارگان های حکومتی حضور داشته اند در میان آنان دیده می شوند اهمیت فوق العاده ای داشت. پس از فراخوان ملی رفقایانم، این دومین سندی است که با طرح خواست تغییرات ساختاری با حمایت طیف وسیعی از فعالان سیاسی مستقل داخل کشور صادر می شود و جمعی از نیروهای فروریخته از بدنه جنبش اصلاحات در ایران را با خود همراه می کند.

مسعود بهنود، نویسنده و روزنامه نگار:

بیانیه اندیشمندان و فعالان فرهنگی سیاسی در داخل کشور را "مبارک قدمی" می داند که موجب می شود از یاد نبریم که اکثریت جامعه ایرانی در دلمرده ترین لحظاتهاش هم زنده و پویانده است."

وی می گوید: "شرایط ایران حساس است. جامعه و نخبگانش در جوشش و در جست و جوی راهی برای گریز از تنگناها بدون آن که دوباره آن آرزوی صدساله به تاخیر افتد. آن چه جمعی از آزادی خواهان ایران را، به نوشتن نامه، دادن بیانیه و اعلامیه و گاه توسل به نهادهای حقوق بشری بین المللی ناگزیر می کند فضایی است در کشور که در آن امکان گردهم آیی و مشارکت جمعی برای سیاست ورزان و نسل آینده آنان که دانشجویان باشد وجود ندارد. حکومت از ترس و بنا به تعبیری از حفظ امنیت ملی، چنین فضایی پدید آورده که به هر شکل مانع گردهم آیی و تبادل نظر نیروهای سیاسی بالقوه و بالفعل می شود."

آیین بزرگداشت سی و هشتمین سالگرد درگذشت دکتر مصدق

مراسم بزرگداشت سی و هشتمین سال درگذشت دکتر محمد مصدق، با مادام روز چهاردهم اسفند با حضور شمار کثیری از اعضای جبهه ملی ایران، دوستان و هم اندیشان و دانشجویان بر سر مزار وی در احمدآباد برگزار شد. اعضای جبهه ملی ایران، در ساعت ۳:۱۰ با مادام روز ۱۴ اسفند، با تاج گل به نمای پرچم سه رنگ ایران در صفی طولانی به قلعه احمدآباد وارد شد.

دکتر نظام الدین قهاری، عضو حزب ملت ایران، در آغاز این برنامه یاد شهیدان نهضت ملی ایران را گرامی داشت و با بیان اینکه فقدان مصدق برای ملت ایران، جانگناه و تحمل ناپذیر بود، اما تأثیر خدمات او چون خورشید تابناکی در تاریخ ایران پایدار است، اظهار داشت: مصدق با رهبری نهضت ملی ایران نه تنها دست سلطه بیگانگان را از منابع ملی نفت و شیلات کوتاه کرد، بلکه الگویی بود برای همه کشورهایی که زیر فشار استعمار قرار داشتند. از اینرو، بجاست که نهضت ملی ایران را جهان شمول بدانیم و مصدق را جهان مرد خطاب کنیم.

وی افزود: سالیان دراز نام ایران با نام مصدق همراه بود و ملت های استبداد زده و استعمار زده او را چون رهبری رهایی بخش از سلطه بیگانگان می شناختند.

وی، در پایان سخنانش از عدم رسیدگی مناسب به وضعیت احمدآباد، محل مزار مصدق انتقاد کرد و خواستار آن شد که با تهیه امکانات مناسب، این منطقه به جایی مناسب برای حضور گردشگران خارجی و علاقه مندان به تاریخ معاصر ایران و مصدق تبدیل شود.

در ادامه این مراسم و پس از خواندن سروده ای توسط فرزانه اسکندری در نکوداشت شخصیت مصدق، دکتر پرویز ورجاوند عضو هیئت رهبری و سخنگوی جبهه ملی ایران به سخنرانی پرداخت.

ورجاوند با درود به مصدق به عنوان رهاکننده ایران از دامن استبداد، و دکتر حسین فاطمی، شهید راه آزادی و مصدق، گفت: سخن گفتن در مورد مصدق و نهضت ملی ایران کار بسیار دشواری است، بویژه با توجه به موقعیت ایران در منطقه و در جهان آن روز، بزرگترین مشکلی است که کسانی کومی خواهند در باره نهضت ملی و نقش مصدق سخن بگویند، به آن بی توجهند. حال آنکه اگر رخداد بزرگ نهضت ملی در پیوند با شرایط مورد بررسی قرار نگیرد، ارزیابی حاصل از آن جامع نخواهد بود.

دکتر ورجاوند از نهضت ملی به عنوان حرکت ضد استعماری یاد کرد و گفت که دیگر حرکت های ضد استعماری در تاریخ ایران در پی شکل گیری آن به وقوع پیوستند و از اینرو جنبش ملی ایران از جایگاه والایی در تاریخ کشور برخوردار است. راه دولت دکتر مصدق راه مبارزه با همه نظام های استبدادی بود که مبارزه با امپریالیسم آمریکا در ادامه ی همان راه است.

وی، با ضروری خواندن توجه به شرایط و اقتضائاتی که در زمان فعالیت دکتر مصدق در منطقه و جهان وجود

داشت، گفت: در بستر تاریخ معاصر ایران، نهضت ملی ایران از جایگاه استثنایی برخوردار است و تمام جنبش های آزادی بخش جهان را در پس پشت آن می توان دید. دکتر ورجاوند افزود بر دشمنان خارجی مصدق همچون انگلستان و آمریکا، به نقش ایادی شوروی در درون و بویژه حزب توده اشاره کرده و به نقل از برخی نوشته ها و موضع گیری های آنها علیه مصدق پرداخت و اظهار داشت: در آن زمان حزب توده با بی پروایی تمام، از واگذاری منافع ملی به شوروی صحبت می کرد.

وی در این باره به نقل از سخنانی از احسان طبری پرداخت که می گفت، همپای انگلستان که در ایران منافع دارد، دولت باید برای امتیاز دادن به شوروی اقدام کند.

سخنگوی جبهه ملی ایران با اشاره به اینکه آمریکا هر جریانی را که همسو با خودش نبوده، رقیب خود می دانست و شوروی نیز که باور داشت هر چیزی در خارج از اردوگاه زحمتکشان، زیر یوق امپریالیسم است، خاطر نشان کرد که مصدق در این میان بیناگذار جریان سوم، یعنی ناسیونالیسم مثبت بود که بر پایه آن، به هیچ یک از این دو اردوگاه قدرت تن در نداد و خواهان شکل گیری ایرانی توانمند در منطقه برای رویارویی با آن دو قدرت بیگانه بود. در عمل، این مصدق بود که آمریکا، انگلستان و شوروی را وادار به پذیرش جنبش ملی ایران کرد و عواقب آن را نیز پذیرفت. ورجاوند با تأکید بر این که مصدق بیناگذار جریان سومی است که در جهان به عنوان ناسیونالیسم مثبت شناخته می شود، تصریح کرد: ابعاد مختلف هویشاری این مرد بزرگ هنوز شناخته نشده است. وی با اشاره به مخالفت مصدق با هر نوع استعمار خارجی گفت: به استناد ۵۱۸ سند وزارت خارجه آمریکا، مصدق در آن زمان با قدرت هر چه تمامتر در برابر خواست آمریکاییان ایستاد.

عضو هیئت رهبری جبهه ملی ایران با بیان اینکه مصدق تمام همت خود را بر این گذاشت که ملت ایران دوباره روی پای خود بایستد، ادامه داد: او هوشمندانه می دانست که چگونه یک ملت را از شرایط تسلیم شده به هر قدرت جهانی و در خود فرو رفتن، بیرون بیاورد و در این رابطه در برابر قدرت های خارجی و قدرت مطلقه فردی شاه ایستاد. مصدق معتقد به حاکمیت واقعی ملت بر سرنوشت خود بود. اگر نهضت ملی ایران پنج سال دیگر ادامه می یافت، امروز نیاز نبود که آمریکا با قدرت نظامی خود بخواهد دموکراسی را به خاورمیانه بیاورد.

دکتر ورجاوند از ایجاد حس خودباوری در ملت ایران به عنوان بزرگترین هنر جبهه ملی یاد کرد و افزود: ایجاد شوراهای ده، شهرستان و شهر در مسیر سامان بخشیدن به قدرت جامعه ی مدنی بود که ملت به توانمندی برسد و برای شناخت نارسایی ها و جبران آنها گام بردارد. این حرکت مصدق و جبهه ی ملی شکسته شد، چرا که اگر نهضت ملی پنج سال دیگر به حیثتش ادامه می داد، دیگر نیازی نبود که آمریکا با نیروی نظامی امروز به تهدید ایران

بپردازد. دکتر ورجاوند در بخشی از سخنان خود، وقتی که به ادعای یکی از کشورهای عربی در مورد سه جزیره ی ایران اشاره کرد و با اعلام انتقاد و انزجار از آن، خطاب به ملت، خواست که با اتحاد خود از بروز چنین وقایعی جلوگیری کنند، مورد تشویق حاضران قرار گرفت. برخی از شرکت کنندگان در میان تشویق های خود شعار "درود بر مصدق" را سر دادند. ورجاوند در بخش دیگری از سخنان خود هنگامی که از درآمد نفتی ایران پس از ملی شدن صنعت نفت یاد می کرد، گفت پانصد میلیارد دلار در آمد نفتی ایران طی ۲۵ سال گذشته بوده و از مسئولان خواستار پاسخگویی در این زمینه شد.

وی گفت: البته این مهم مبسر نخواهد بود مگر آنکه همگان به حق ملت در تعیین سرنوشت خود تمکین کنند. پس از سخنان پر شور دکتر ورجاوند که چندین بار موجب تشویق حاضران شد، طه حجازی سروده ای را در مدح مقام و شخصیت مصدق خواند. دکتر محمود مصدق، نوه دکتر مصدق، آخرین سخنران این مراسم بود. وی در سخنان کوتاهی به برنامه ای که با همکاری سازمان میراث فرهنگی برای انجام تعمیرات قلعه احمد آباد در حال پیگیری است، اشاره کرد و گفت: این کار طی چهار مرحله از اردیبهشت ماه سال آینده آغاز خواهد شد.

مراسم سی و هشتمین سالگرد درگذشت دکتر مصدق با همخوانی سرود ای ایران توسط حاضران به پایان رسید.

حاشیه:

✓ ورودی احمدآباد توسط مأموران نیروی انتظامی و برخی مأموران لباس شخصی بسته شده بود و برای اجازه ورود از خبرنگاران برگه مأموریت دولتی خواسته می شد که در صورت عدم ارائه آن از ورود آنها معانعت به عمل می آمد. در همین راستا، بعلت آنچه که آنها عدم نامه نگاری های لازم با فرمانداری منطقه از سوی رسانه های خبری می خواندند، به عکسبرداران خبری اجازه ورود ندادند و دوربین های همه آنان گرفته شد. این مأموران از ورود دوربین های فیلمبرداران شبکه العالم و دوربین های عکاسی خبرگزاری های داخلی و اسوشیتد پرس و روزنامه ها جلوگیری کردند.

✓ شماره پلاک های خودروهایی که به احمدآباد وارد می شدند از سوی مأموران نیروی انتظامی ثبت می شد.

✓ اعضای جبهه ملی ایران و میهمانان این مراسم با شاخه های گلایل سفید در این مراسم حضور یافته بودند.

✓ در برابر ورودی خانه مصدق، کیف شرکت کنندگان توسط مأموران نیروی انتظامی و افراد لباس شخصی بازرسی و دوربین های آنها تحویل گرفته می شد.

✓ بر پایه این گزارش، شمار زیادی اعضای نیروی انتظامی برای حفظ امنیت و آرامش این مراسم در میان شرکت کنندگان حضور داشتند که حضور افرادی با لباس شخصی که دستگاه بیسیم داشتند در میان آنها مشهود بود.

مقام و حقوق زن

در گذشته، در بخش بزرگی از جهان فعالیت سیاسی برای زنان ناپسند تلقی میشد. در انقلاب فرانسه، فهرستهای شکایتها و ستمخواهی های قدیم شده به شاه در بردارنده درخواست هایی برای برابری قانونی میان زنان و مردان، از جمله اصلاح قانونهای زناشویی بود. با اینهمه، رویسپیر، رهبر انقلابی، هنگامیکه همه سازمانهای زنان را تعطیل و گرد همایی بیش از پنج زن را ممنوع کرد، به پیشرفت حقوق زنان روندی وارونه بخشید. پس از انقلاب فرانسه نیز با وضع قانون ناپلیونی، وضعیت حقوق زنان دچار سرفت شد و زنان بی هیچگونه صلاحیت قانونی شناخته شدند. در انگلستان نیز پس از بنیانگذاری اتحادیه اجتماعی و سیاسی زنان ۱۹۰۳ م بازداشتهای گسترده زنان صورت گرفت، و چون زنان زندانی دست به اعتصاب غذا زدند مقامات زندان بزور به آنها غذا خوردند. فعالیت سیاسی زنان در امریکانیز توام با فعالیت آنان برای لغو برده داری در سال ۱۸۴۸ م آغاز شد. در سال ۱۸۶۵ م، زنان به صف طرفداران اصلاحیه قانون اساسی در مورد اعطای حق رای به بردگان پیشین پیوستند. ولی گفتنی است که در اصلاحیه های چهاردهم و پانزدهم قانون اساسی ایالات متحده، حق شهروندی و حق رای دادن برای بردگان مرد آزاد شد، ولی زنان مستثنی شدند. زنان در سراسر جهان از پای نشستند و مبارزه آنان باعث شد که پایشان به مجلس های قانونگذاری و، سپس، وزارت و در نهایت به مهمترین مقام کشور خود (نخست وزیر یاریاست جمهوری) برسد. مشهورترین زنانی که تا کنون به چنین مقام هایی، در جهان امروز، دست یافته اند عبارتند از: مارگارت تاچر در انگلستان، ویگدیس فینو در ایسلند، گروهارلمدر نروژ، کیم کبیل در کانادا، ویولتا جامورو در نیکاراگوئه، ایندیرا گاندی در هندوستان، گلدامایر در اسرائیل، بینظیر بوتو در پاکستان و تنسو چیلر در ترکیه. اما در ایران...

نظامی گنجوی گوید: زن افکندن نباشد مرد رانی بخود افکن باش اگر مردی نمای. مولانا نیز در مثنوی معنوی میفرماید: گفت پیغمبر که زن بر عاقلان مغالب آید سخت و بر صاحبان باز بر زن جاهلان غالب شوند زانکه ایشان تند و بس خیره سرند.

روایت شاهنامه فردوسی نیز پوراندخت، دختر خسرو پرویز، فرزند هرمز، پسر انوشیروان، پس از قتل پدر و پیش از آرمیدخت، به پادشاهی نشست، حکومت او هجده ماه و پادشاهی آذرمدخت ۴ ماه طول کشید و هر دو در تاریخ به لقب "دادگر" مفتخر گردیدند. پوراندخت که مغانی، لقب "سعیده" به او داده، بیست و پنجمین شاه از شاهان ساسانی است. در ترجمه تاریخ طبری بلعمی نیز میخوانیم "پس چون پوراندخت، دخت خسرو پرویز پادشاهی بنشست، عدل و داد کرد و جور و ستم بر گرفت و گفت چون پادشاه دادگر بود، کشور بتواند نگاه داشتن. اگر مرد بود و اگر زن و من امید چنان دارم که شما عدل و عطا از من ببیند چنانکه از هیچ کس ندیده باشید و بفرمود که هر چه در ولایت بر مردم از روزگار پرویز بقایای خراج بمانده همه بیفکنند و آن دفترها بستند و داد و عدل بگستروانند، چنانکه به هیچ روزگار ندیده بودند و آن خوب چلیپا که از روم آورده بودند و پرویز باز نداده بود، آن را به ملک روم باز داد. خداوند متعال در سوره حجرات آیه ۱۳ میفرماید ای مردم، ما همه شما را از مرد و زن آفریدیم و آنگاه شعبه های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. بزرگترین شما نزد خدا پر هیز کارترین مردم اند. همین یک آیه برای نباید کنوانسیون جهانی حقوق کودک و رفع تبعیض از حقوق زن و پذیرش کلیه مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر کفایت میکند، اگر رساله های حوزه بگذرانند. اما وقتی رساله ها را ورق میزنیم مبینیم چهار گروه از این فاعده کلی پروردگار مشتت شده اند که به ترتیب عبارتند از برده و کافر و کودک و زن. البته با نگاهی واقع بینانه، و تا حدودی دادگرانه، برده را از اربابش می توانست آزاد کند، کافر هم می توانست با گرایش به دین مبین از عقوبت علما خودش را بر هاند، کودک هم اگر بختش بلند بود و از دست اربابان پدری جان سالم بدر میرد، سرانجام بسن بلوغ میرسد و خود بخود محظوراتش بر طرف میشد. در این میان، تنها زنان هستند که نمی توانند جنسیت خود را تغییر دهند، در نتیجه، فردستی آنان بی درمان و ابدی و وضعیت اجتماعی شان از همه وخیم تر مانده است. به تعریف فقها، جایگاه زن در جامعه و خانواده منوط به ایفای نقش بعنوان کنیز، همسر، مادر، خواهر و یا دختر است، و گر نه زن بخودی خود صاحب هیچ حقی نیست. گویا خداوند در رحمت و اسعه خود اسراف فرموده. پس از مرگ سلطان ایوب در سال ۶۲۷ ه. ق. جنگهای صلیبی با لویی نهم پادشاه فرانسه ادامه داشت. در این ماجرا، ذکاوت و هوشیاری کنیز سلطان موسوم به "شجر الدر" که مرگ پادشاه را پنهان داشت و خود بنام او فرمانهایی صادر کرد تا تورانشاه پسر ایوب از میان و دان به مصر رسید و توانست لشکریان صلیبی را محاصره و مغلوب و اسیر کند. لویی با پس دادن آنچه بدست آورده بود و نیز پرداخت غرامت هنگفت جان خود و شماری از همراهانش را نجات داد. چون تورانشاه در جنگ دیگری خود نیز کشته شد، مردم مصر "شجر الدر" را به پادشاهی نشاندند. ولی حضرت خلیفه بغداد، آل مستعصم که خود در این قضایا هیچ دخالتی نداشت، با پادشاهی یک زن مخالفت کرد، آنهم زنی که پیشتر از کنیزان حرم خودش بوده و او را پیشکش برای پادشاه مصر فرستاده بود. بنابراین، طی نامه ای به ممالیک مصر نوشت: اگر مردی در میان شما نمانده که بتواند به پادشاهی بگمارد، به ما بگوید تا یکی برایتان بفرستیم.

امروز ارتباط رعایت حقوق زن با دموکراسی بر کسی پوشیده نیست و حقوق شهروندی به هر معنایی و در هر لحظه ای از زمان باید شامل حال زنان و مردان بصورتی برابر باشد، بویژه آنکه زنان غالباً اخلاقی تر و آرامتر از مردان بوده و می توانند در آرام کردن خشونت های مردانه که اغلب نقاط جهان را فرا گرفته با حضور خود در صحنه های تصمیم گیری سیاسی نقش آفرینی کنند.

کلینتون: سرنگونی دولت مصدق، اشتباه بود

"بیل کلینتون" سرنگونی دولت ملی دکتر محمد مصدق در سال ۱۹۵۳ به دست سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) را اقدامی اشتباه خواند.

بگزارش روزنامه "نتس زونتاک"، چاپ سوییس، رییس جمهور پیشین آمریکا همچنین با انتقاد از سیاست دهه های گذشته این کشور در خاورمیانه گفت: ما باید از سیاست های اشتباه خود در این منطقه درس بگیریم.

وی با اشاره به حضور نیروهای آمریکایی در عراق، بر ضرورت تشکیل دولتی با حضور سنی ها تاکید کرد و با انتقاد از اعضای حزبی گفت: درخواست دمکرات ها درباره تعیین زمان برای خروج نیروهای آمریکا از عراق به معنای عقب نشینی در برابر تروریست ها است و آنها را تقویت خواهد کرد. بحث خروج از عراق تنها پس از تأمین ثبات و امنیت در این کشور قابل طرح است.

کلینتون "با اعتراف به حمایت آمریکا از همه اقدامات نادرست صدام، تنها بعنوان وزنه مهارکننده در برابر حکومت ایران، به روابط نزدیک خود با جرج بوش اشاره کرد و گفت: با این حال نمی دانم که آیا هنوز موضوع حمله نظامی به ایران در برنامه کار بوش وجود دارد یا نه.

وی با انتقاد از سیاست اتحادیه اروپا در برابر ایران، تلاش کشورمان برای دستیابی به سلاح هسته ای (۱) را به خاطر حرکت ایران به سوی تبدیل شدن به قدرت منطقه ای دانست، و گفت: تجهیز ایران به سلاح هسته ای موقعیت روانی و جغرافیایی منطقه را تغییر خواهد داد.

کلینتون "با این حال تاکید کرد، اگر قرار باشد ایران از برنامه هسته ای خود منصرف شود، مسلماً باید چیزی در برابر به این کشور عرضه کرد.

نوروز تا ز پیروز، ایرانماز آزاد، سرفراز و پاینده باد

نشست های دانشجویی اسفندماه

۱۳۸۳

با شرکت چهره هایی از جبهه ملی ایران

۳ اسفند، دانشگاه علم و صنعت درباره انتخابات آینده، سخنران: دکتر داود هرمداس باوند، عضو هیئت رهبری، ۱۰ اسفند، دانشگاه علم و صنعت درباره انتخابات آینده، سخنران: دکتر پرویز ورجاوند، عضو هیئت رهبری و سخنگو.

۱۱ اسفند، دانشگاه پزشکی کاشان درباره نقش دکتر مصدق در ملی شدن نفت، سخنران: حسین شاه حسینی، عضو شورای مرکزی.

۱۱ اسفند، دانشگاه بین المللی قزوین درباره نهضت ملی، مصدق و جبهه ملی، سخنران: دکتر پرویز ورجاوند.

۱۵ اسفند، دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر درباره حاکمیت ملی و انتخابات، سخنران: مهندس کورش زعیم، عضو هیئت اجرایی و مسئول روابط عمومی.

۱۵ اسفند، دانشگاه صنعتی اصفهان درباره ویژگیهای نهضت ملی ایران، سخنران: دکتر پرویز ورجاوند.

۱۶ اسفند، دانشگاه اصفهان درباره انتخابات آینده، سخنران: دکتر پرویز ورجاوند.

۱۸ اسفند، دانشگاه شهید عباسپور درباره نقش بازار و روحانیت در ملی شدن نفت، سخنران: حسین شاه حسینی.

۱۸ اسفند، دانشگاه بین المللی قزوین درباره مسئله انرژی هسته ای ایران، سخنران: مهندس کورش زعیم (از اجرای برنامه معانعت شد).

۱۹ اسفند، دانشگاه آزاد اسلامی شهر ری درباره نهم اسفند و جدا شدن آیت الله کاشانی از جریان نهضت ملی، سخنران: حسین شاه حسینی.

ژاپن، ایران را تهدید به خروج

سرمایه هایش کرد

در حالی که مذاکرات هسته ای ایران و اتحادیه اروپا، روبه سردی گراییده است، ژاپن تهدید کرده که در صورت توقف مذاکرات، سرمایه های خود را از ایران خارج خواهد کرد.

به گزارش فارس، خبرگزاری فرانسه ضمن اعلام این خبر به نقل از "ماشیمورا" وزیر خارجه ژاپن مدعی شد، فضای موجود برای سرمایه گذاری در ایران به هیچوجه مناسب نیست.

"ماشیمورا" در دیدار با خرازی وزیر خارجه ایران افزود، روابط سرد ایران با اتحادیه اروپا بزرگترین مانع بر سر راه گسترش سرمایه گذاری های ژاپن در ایران است.

"ماشیمورا" به خرازی گفت: دلیل اصلی عدم رغبت سرمایه گذاران ژاپنی به سرمایه گذاری در ایران، روابط سرد ایران با آمریکا و نگرانی های موجود درباره فعالیت های هسته ای ایران است.

میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی ژاپن در ایران پس از انقلاب، تنها ۵۲۹ میلیون دلار بوده است.

قالیباف: ۹۰ درصد اسکله ها مجوز ندارند

رییس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز گفت: از مجموع ۲۰۱ اسکله در کشور، تنها ۱۰ درصد آنها دارای پروانه بهره برداری هستند.

یگزارش خبرگزاری فارس، محمد باقر قالیباف امروز (سه شنبه) در گرد خبرنگاران با اشاره به پایان یافتن بازدید تیم بازرسی متشکل از ستاد مبارزه با قاچاق کالا، گمرک، نیروی انتظامی، سازمان بنادر و سایر دستگاههای ذیربط از استانهای جنوبی اظهار داشت: براساس گزارشات این هیئت هم اکنون ۲۰۱ اسکله و ۱۲ اسکله طبیعی که از پیش رفتگی آب در ساحل دریا ایجاد شده است وجود دارد.

وی بایان اینکه از مجموع این شمار، ۶۹ اسکله در استان هرمزگان، ۷۹ اسکله در بوشهر، ۴۸ اسکله در خوزستان و ۱۷ اسکله در سیستان و بلوچستان برپا هستند، گفت: از کل ۲۰۱ اسکله، ۴۳ اسکله کاربری بازرگانی، ۶۹ اسکله شیلاتی و صیادی، ۲۶ اسکله کاربری چند منظوره، ۱۲۰ اسکله کاربری صنعتی، ۲۰ اسکله کاربری نفتی، ۷ اسکله مسافرتی و تفریحی، ۱۵ اسکله نظامی و ۱۳ اسکله دیگر نیز متروکه و فاقد کاربری هستند.

قالیباف تاکید کرد: از لحاظ درصدی نیز ۳۷۸ درصد از شمار ۲۰۱ اسکله دارای پروانه از سازمان بنادر و کشتیرانی هستند و ۶۷۲ درصد دیگر فاقد پروانه از این سازمان هستند. نماینده ویژه رییس جمهوری تصریح کرد که از شمار اسکله های دارای پروانه، تنها ۱۰ درصد آنها دارای پروانه بهره برداری بوده و ۹۰ درصد مانده بی پروانه هستند و ۲۰ درصد از این اسکله ها دارای مرز گمرکی و ۸۰ درصد دیگر دارای مرز مجاز گمرکی نیستند.

پیام: پرسش مردم اینست که با توجه به این گزارشها، چه زمانی می توان به فاجعه بزرگ قاچاق گسترده (به اعتباری افزون بر ده میلیارد دلار) در این کشور پایان بخشید و مافیای قدرتمند آنرا درهم شکست و موجبات رشد و بهبود تولید صنعتی را در کشور فراهم ساخت؟

۲۲۲ مدرسه در استان گیلان ویران شده است

تهران- رییس سازمان آموزش و پرورش استان گیلان گفت: تاکنون بر اثر بارش برف، بیش از ۲۲۲ واحد آموزشی در استان گیلان ویران شده اند که این آمار در روزهای آینده، قطعاً افزایش می یابد.

نعمت الله اسدی پرور، رییس سازمان آموزش و پرورش استان گیلان، در گفت و گو با خبرنگار ایبنا، گفت: آماري که از مدارس تخریب شده اعلام شده است، تنها مربوط به مدارس شهری است و هنوز آماري از تخریب مدارس روستایی این استان نداریم.

وی با اشاره به ویران شدن مدرسه هادر ۱۱ منطقه شهری، افزود: مدارس تخریب شده در شهرستان های رشت، لاهیجان، خشک بیجار، رحمت آباد، حمام، کوجسفهان، سنگر، سیاهکل، شفت، دشت نشا و آستانه اشرفیه، قرار داشته اند.

با توجه به اینکه هنوز راه های روستاها باز نشده است؛ آماري از تخریب مدارس روستایی نداریم، اما قطعاً تعداد زیادی از این مدارس نیز تخریب شده اند. در برخی روستاها همه مدرسه های آن ویران شده اند و هیچوجه قابل استفاده نیستند.

بیش از ۴۰ هزار دانش آموز در مدرسه های ویران شده بر اثر بارش برف تحصیل می کردند.

توضیح درباره نقل خبر مربوط به بم

شهر بم هنگامی که زمین لرزه در بامداد روز ۱۳۸۲/۱۰/۱۵ آنرا ویران ساخت، ۹۰ هزار نفر جمعیت داشت که سی و چند هزار نفر در آن فاجعه کشته شدند. حدود سی هزار نفر از بازماندگان حادثه نیز شهر بم را ترک کردند و به نزد اقوامشان در دیگر شهرها رفتند و فقط حدود سی هزار نفر از ساکنان اصلی بم در سخت ترین شرایط در این شهر باقی ماندند. اما آمارگیری که چند ماه پس از زمین لرزه انجام شد، حضور ریش از یکصد و هشتاد هزار نفر را در آنجا نشان می داد که بطور عمده مهاجرتی بودند که بخاطر اخذ کمک به این شهر مصیبت زده سرازیر شده بودند. باید گفت خبر مندرج در روزنامه ها در مورد گسترش خطر اعتیاد و دیگر آسیب های اجتماعی مربوط به افراد حاشیه نشینی است که در نهایت فقر و استیصال به این شهر کهن روی آورده اند و این مسئله به ساکنان اصیل و نجیب مصیبت زده بم مربوط نمی شود.

نشریه پیام جبهه ملی ایران با کمک های مالی شما هم اندیشان و خوانندگان گرامی اداره می شود

نشریه داخلی

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۴۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com